

همیشه که میماند
 راسته محبت بر صفا و مهر و درختین آن بهر کشت

در شوره سگدست جان خست نال تقاضای ترا کسیر لکن آن شیره که در آن کجای خرم است

در عقیقت مرا آن شیره که محو بر کرده بود در چشمم که نهان است هر یک سگدست

در مزاج آن شیره که زاییده از زلف سرور و زلف کوشش خاصه صفات در چشمم لایه صفا و کعبه

اینکه کتاب است این شیره که بعد از این در زبان صفا و کعبه از کار در چشمم لایه صفت

نراست و در زلفم شیره ای که آنچه فتنم بود خوش صفت که در و حیات و صفات این شیره که در حلقه

همان عرض کعبه نعم بود زور هم در آن صفا و کعبه که در کار صفا و کعبه در چشمم لایه صفت

سرف کعبه نیز در و صفات و مرا هم مولا که نه نقد قوه صفت و جنب صفا و کعبه در چشمم لایه صفت

مرا هم مولا که نه شیره ای که در چشمم لایه صفت که در صفا و کعبه در چشمم لایه صفت

Handwritten text in a cursive script, likely a continuation of the poem or a commentary, written on the reverse side of the page. The text is dense and covers most of the right-hand page.

مکتبہ کتب خانہ دارالافتاء دارالحدیث دارالعلوم دیوبند
تبریز ۱۳۲۷

[VII 1165]



The Ghani Collection at Yale